

بررسی جایگاه وقف و موقوفات در رسایل مشروطیت

زهره علیزاده^۱

چکیده:

انقلاب مشروطیت به عنوان یکی از رخداد‌های مهم قرن بیستم در ایران به شمار می‌آید که علاوه بر تغییر سلطنت استبدادی ایران به مشروطه، ساختارهای جدید اقتصادی و اجتماعی را نیز به وجود آورد. مشروطه‌خواهان نمی‌توانستند برای رشد اقتصادی کشور نسبت به نهاد وقف بی‌توجه باشند زیرا وقف به عنوان یکی از زیرساخت‌های مهم اقتصادی کشورهای اسلامی از جمله ایران است که در رشد و توسعه اقتصادی این کشورها نقش بسزایی دارد. هدف از این پژوهش، بررسی جایگاه نهاد وقف و موقوفات در رسایل مشروطه‌خواهان است که با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی رساله‌هایی چون: بیان معنی مشروطه و فوائد، اللئالی المربوطه فی وجوب المشروطه، رؤیای صادق و تدبیر و تمدن پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مشروطه‌خواهان نهاد وقف را به عنوان یک راهکار تقویت اقتصاد ملی و در کنار سایر مولفه‌ها مانند: ترویج استفاده از کالای ملی، ارتقای کیفیت کالای داخلی و ... در نظر داشته‌اند و برای کاربردی تر شدن و نظارت بیشتر این نهاد تلاش کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها:

وقف، موقوفات، رسایل مشروطیت، دوره قاجار، اقتصاد ملی.

مقدمه

گسترده‌گی موقوفات و ابعاد اقتصادی آن همواره در جوامع اسلامی از جمله ایران بحث مهمی بوده است. وقف سبب سرازیر شدن ثروت به سمت کارهای عام‌المنفعه می‌گردد که گامی در جهت رفاه عمومی و فقرزدایی است و علاوه بر توزیع ثروت، رشد و توسعه اقتصادی را به همراه دارد. اگر ابعاد زندگی اجتماعی را شامل سیاست، فرهنگ و اقتصاد بدانیم؛ وقف اصل اسلامی است که ریشه در فرهنگ و کارکرد در اقتصاد جامعه دارد. اصولاً وقف به معنای گذشت آگاهانه از مایملک در راه خدا و برای قرب خداوند است.^۲

در ایران این سنت قبل و بعد از اسلام بر اساس تعالیم دین زردشت و دین اسلام وجود داشته است. در دوره باستان وقف عام به منظور امور خیریه، موسسات مذهبی، احداث آتشکده‌ها، ارائه خدمات به زائران، احداث مراکز آموزشی و مذهبی، تأمین هزینه‌های کشاورزان بی‌بضاعت، نگهداری

حیوانات و مقاصد شبیه به آن وجود داشته است.^۳ بر اساس تعالیم اسلام در عمل به وقف اهتمام بر این است که با کمک‌های معیشتی، آموزشی و درمانی به طبقه کم‌درآمد، عدالت اجتماعی، کاهش فواصل طبقاتی، رشد ثروت‌های عمومی و رفاه و تعاون اجتماعی در جامعه محقق شود. به همین دلیل در دوره‌های مختلف تاریخ ایران ما شاهد این سنت حسنه بوده‌ایم.

روند وقف اموال در دوره قاجار همچون دوره‌های قبل ادامه داشته، آن چنان که هانری رنه آلمانی که در اوایل مشروطیت و قبل از آن هم چندین بار از ایران دیدن کرده، نوشته است: اراضی موقوفه زیاد است و پیوسته شماره آنها رو به فزونی می‌رود. زیرا اشخاص مومن و ثروتمند همواره املاکی را وقف مساجد و مدارس و بقاع متبرکه می‌نمایند. گاهی هم کاروانسرا و دکان و یا تمام بازاری را وقف مصارف خیریه می‌کنند و در هر حال عایدات املاک وقفی زیاد است.

جایگاه تشکیلاتی وقف در حکومت



مشخص با تأسیس مجلس شورای ملی آغاز گردید اما اجرای این قوانین به دلیل آشفتگی مملکت چندان مقدور نبود و اوقاف کشور تا مسیر اجرای عدالت راه طولانی در پیش داشت.^۵ از منابع این دوره چنین برمی آید در فاصله سال‌های ۱۲۷۵-۱۳۲۴ ه.ق نام وزیر وظایف و اوقاف در کنار سایر وزرا به چشم می خورد و در طول این مدت اشخاصی چون: میرزا فضل الله نصیرالملک، میرزا محمد خان مجدالملک، حاج علی خان اعتمادالسلطنه، عبدالعلی خان ادیب‌الملک، میرزا حسن خان مشیرالدوله، میرزا علی خان امین‌الدوله، میرزا عبدالرحیم خان ساعدالملک، میرزا محسن خان امین‌الدوله، میرزا محمود خان مدیرالدوله و فرزندش ثقب‌السلطنه متصدی وزارت امور یاد شده بوده‌اند.^۶

پس از پیروزی انقلاب مشروطه و روی کار آمدن نخستین کابینه به رییس‌وزرایی میرزا نصرالله خان مشیرالدوله

قاجار به خصوص در زمان ناصرالدین شاه مورد توجه قرار گرفت. در سال ۱۲۵۷ ه.ق پس از عزل میرزا آقاخان نوری به امر ناصرالدین شاه مجلس شورای وزرا با شش وزیر تشکیل شد و میرزا فضل‌الله نصیرالملک علی‌آبادی در مقام وزیر وظایف و اوقاف مامور رسیدگی به امور کشور گردید.^۴

بخشی از وضعیت نظام وقف در دوره قاجار از محاکم قضایی متاثر بود زیرا وقف خود نظامی قانون‌مند و دارای احکام حقوقی خاص است. وزارت عدلیه یکی از مراجع حافظ این نظام و حقوق بود و تعدی و تجاوز به موقوفات و ارجاع شکایات وقف‌کنندگان از موقوفه‌خواران به عدلیه و بررسی آنها و صدور حکم جزایی از وظایف وزارت عدلیه بود. بنابر این وضعیت نظام دادرسی و قضایی کشور تأثیر تنگاتنگی بر وضعیت اوقاف کشور داشته است. به طور کلی تأسیس وزارت عدلیه و رسیدگی به دعاوی حقوقی در چارچوب نظامی واحد در سرتاسر ایران با تکالیف و حدودی

در ماه ذی‌الحجه ۱۳۲۴ هـ.ق برابر با بهمن ماه ۱۲۵۸ هـ.ش کابینه مزبور با هشت وزارتخانه تشکیل شد و اداره اوقاف در زیرمجموعه ادارات تابعه وزارت علوم جای گرفت. با تصویب قانون اداری وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در جلسه مورخ ۲۸ شعبان ۱۳۲۸ هـ.ق مجلس شورای ملی اداره اوقاف به‌عنوان یکی از ادارات تابعه وزارتخانه تازه تأسیس شروع به فعالیت کرد.^۷

دولتمردان اگرچه تلاش‌هایی در جهت بهبود وضعیت اوقاف صورت دادند به‌دلیل بسترسازی نامناسب، اجرای برنامه‌ها با ناکامی روبه‌رو بود. مجلس شورای ملی نیز به‌دلیل گستردگی مشکلات همراهی نکردن حکومت و درگیری با مسائل گوناگون نتوانست جهت اصلاح وزارت اوقاف و معارف کشور گامی موثر در این زمینه بردارد و قوانین بدون ضمانت اجرایی ناکام ماند.^۸

این مشکلات و نابسامانی در نهاد وقف باعث شد که مشروطه‌خواهان

نسبت به این نهاد بی‌توجه نباشند و برای کاربردی بودن آن تلاش کنند. یکی از مهم‌ترین منابع دوره مشروطیت که می‌توان در بررسی افکار مشروطه‌خواهان مورد توجه قرار گیرند رسایل مشروطیت است. در واقع مشروطه‌خواهان با اتکا به پشتیبانی مراجع ثلاثه نجف^۹ با نوشتن رساله‌هایی در دفاع از حقانیت مشروطه و نقد نظام استبدادی، از لحاظ نظری به تحکیم مبانی و اصول نظام مشروطه کمک شایانی نمودند^{۱۰} که در مطالعه تاریخ مشروطیت نباید از این رسایل و آثار روشنفکران که زمینه را برای وقوع این انقلاب فراهم کردند غافل شد. زیرا اندیشه‌های مبتنی بر قانون‌خواهی، مطالبات حقوقی، عرفی‌سازی و افکار انتقادی و اقتصادی مشروطه‌خواهان در آن انعکاس یافته است. یکی از مهم‌ترین مسائلی که مشروطه‌خواهان در کنار دفاع از مشروطیت به آن پرداخته‌اند مباحث اقتصادی است و برای بهتر شدن اوضاع اقتصادی راهکارهای مختلفی را پیشنهاد داده‌اند.



واقفان اصفهانی اثر عطیه طباطبایان و هم‌چنین خانم الهام ملک‌زاده در آثار خود از جمله کتابی با عنوان نگاهی به امور خیریه در دوره قاجار و مقالاتی چون وضعیت امور خیریه تهران در دوره مشروطیت، وضعیت امور خیریه اردبیل در عصر قاجار، نگاهی به وضعیت امور خیریه رشت در دوران قاجار در بخشی از آثار خود به بررسی وقف در دوره قاجار پرداخته‌اند. تفاوت پژوهش حاضر با این آثار در این است که به بررسی جایگاه وقف در رسایل مشروطه‌خواهان پرداخته است.

جایگاه وقف در رسایل مشروطه‌خواهان

اقتصاد ملی در دوره قاجار با گسترش نفوذ کشورهای خارجی، دادن امتیازهای تجاری و ورود بی‌رویه کالاهای خارجی دچار رکود شد. به‌همین دلیل اقتصاد ملی مورد توجه روشنفکران و نخبگان عصر قاجار و مشروطه‌خواهان قرار گرفت. خطر وابستگی اقتصادی سبب شد تا تجار،

از آنجایی که وقف در کشورهای اسلامی نقش بسزایی در رشد و توسعه اقتصاد ملی دارد؛ این پژوهش با تأکید بر رسایل مشروطه‌خواهان به بررسی جایگاه وقف در تفکرات اقتصادی مشروطه‌خواهان می‌پردازد. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای بوده و روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی خواهد بود.

پیشینه تحقیق

درباره وقف بررسی‌های متعددی در زمینه‌های فقهی، حقوقی، اقتصادی، قضایی و جایگاه آن در دوره‌های مختلف تاریخی صورت گرفته است و همچنین پژوهش‌هایی در مورد وقف در دوره قاجار نوشته شده است از جمله جایگاه وقف در گفتمان فرهنگی صفویه تا قاجار بر اساس متون تاریخی و اسناد موقوفات اثر فاطمه ابوحمز، سنجش تطبیقی وقف طی دوره‌های قاجاریه و پهلوی اثر پروانه شاه‌حسینی، وضعیت اوقاف در دوره قاجار با تکیه بر قوانین مجلس و شکایات

روحانیون و روشنفکران از طریق فتوا و سخنرانی در منابر و مقالات در نشریات به تحریم کالاهای خارجی و حمایت از کالاهای داخلی پردازند.^{۱۱} به‌همین دلیل شاهد این هستیم که در بسیاری از رسایل، مشروطه‌خواهان شرحی از اوضاع بد صنایع داخلی و اقتصاد کشور داده شده و پس از آن به حمایت از کارخانجات داخلی، ارتقای کیفیت کالای داخلی، جلوگیری از واردات کالاهای خارجی، جلوگیری از صادرات مواد خام، اخذ تکنولوژی‌های جدید و ... پرداخته شده است که برای نمونه می‌توان به رساله ارشاد العباد الی عمارت البلاد اشاره کرد. در این رساله عامل بدبختی ایرانیان را دو عامل فقر و فلاکت ملت و دیگری ضعف و ناتوانی دولت می‌داند. او اوضاع حرف و صنایع داخلی را این‌گونه تشریح می‌کند: «پس از غفلت و سوء تدبیر آن کسانی که زمام امور به‌دست آنها بود، صنایع جاریه در مملکت و حرف موجوده در آن تدریجاً نیست و نابود شد و صاحبان حرف مستأصل

و پریشان شدند و کثیری از آنها که مدخل دیگری نداشتند به گدایی و ذلت رسیدند و از هم پاشیده شدند و فاتحه همه خوانده شد. به حدی که اگر ما به اولادهای خود بگوییم که در دوره قبل که هنوز معمرین ما خواطر دارند چند هزار صنعت که در اصفهان و چند هزار در یزد و چندین هزار در قم و کاشان و خراسان و گیلان و غیره بودند، و نوع اهل مملکت به اجناس داخلی خود گذران می‌کردند و از اجناس خارجه مستغنی بودند و فعلاً از آنها اثری نیست، به نظر آنها جزء افسانه و اکاذیب محسوب می‌شود. خوب چطور شد که چنین شد. پای تجارت خارجه به مملکت ما باز شد و خورده خورده از همه جور اجناس در مملکت ما ریختند. و هر چیزی که در بین ما معمول بود و محل حاجت ما دیدند، از هر طرف بر ما وارد کردند و به زخرفه صوریه و زینت ظاهریه آنها را آراستند و ما را فریب دادند و از آن طرف میل پادشاه و اطراف و حواشی آن و هکذا باقی اعیان مملکت



محمد علی شاه و در دارالخلافه تهران تحریر یافته است^{۱۳}. این رساله شامل یک مقدمه، دو اصل یک نتیجه و یک خاتمه است. در قسمت مقدمه و دو اصل او درباره استبداد و مشروطیت و فواید مشروطیت صحبت می کند و پس از پایان آن در مبحث خاتمه پانزده اصل از قبیل حمایت از حکومت مشروطه، تبعیت قوانین ایرانیان از قوانین شرع، مبانی کار مجلس مشورت و اکثریت آراء باشد، گرفتن امتیازات تجاری، حفظ شئونات هر طبقه و ... است و به طور کلی زمینه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را در بر می گیرد و رعایت آنها بر همه «لازم و متحتم» است. چهاردهمین اصل از این پانزده اصل در مورد وقف و نحوه اداره موقوفات است. در آغاز نویسنده از وضع آشفتگی موقوفات و عدم کارایی لازم آن در دوران قاجار می نویسد و پس از آن راهکار مناسب برای اداره موقوفات ارائه می دهد که در ذیل به صورت کامل این اصل بیان شده است: «چهاردهم: در ایران موقوفات ملتی

به مقتضای «الناس علی دین ملوکهم» به استعمال آنها و به همان اندازه بلکه بالاتر اعراض شان از اجناس و حرف و طنبیه و ترک نمودن آن باعث مزید رواج آنها و موجب مزید اندراس اینها گردید و خورده خورده حرف و صنایع مملکتی که سبب استجلاب و جوه نقدیه بود منسوخ شد و آن جوه نقدیه از ما منقطع شد. و آن قوافل طلا و نقره که هر ساله در خانه های ما وارد شده و منزل می گزید، به طرف ممالک اروپا رهسپار شد و خانه های فرنگیان را منزلگاه خود قرار داد و دست ما از آن اموال تهی و در مقابل جیب آنها پر شد»^{۱۲} و در ادامه برای بهبود اوضاع صنایع و حرفه ها استفاده از تولیدات داخلی را پیشنهاد می دهد.

عمادالعلماء خلخالی الاصل یکی از فقهای نجف بوده که در رساله خود به عنوان رساله بیان معنی مشروطه و فوائدها در کنار تبیین مشروطیت و طرح مسائل مربوط آن، به مباحثی در مورد وقف پرداخته است. این رساله در ۱۳۲۵ هـ.ق در زمان سلطنت

و دولتی بسیار است ولی هزار افسوس که در متولی‌ها به تصرف مالکانه مداخله دارند و بعد از فوت ایشان از ترکه آنها محسوب شده و در مابین ورثه آنها تقسیم می‌گردد و واقف بیچاره با آن که ورثه‌اش از آن محروم مانده به وصیتش نیز عمل نمی‌کنند.

و به مناسبت مقام لازم آمد که اقسام تصرفات متولی‌ها را در موقوفات بیان نمایم تا این که معلوم گردد که ظلم این اشخاص از تعدیات حاکم جور زیادتر و بیشتر است و در مقام تفتیش و تنقیح آن نیز بر آیند:

اولاً: تا این که موقوفه عائده دارد، آن را در مخارج شخصی خود صرف می‌نمایند و تعمیرات لازمه موقوف می‌دارند و در اندک زمانی منهدم و خراب و مسکن کلاب و مجرای منجلاب می‌گردد.

دویم: ورقه وقفنامه را پاره کرده و اسم وقفیت را محو نموده و به عنوان ملک حلال خود او را می‌فروشند و ثمن او را از برای خود دکان و خانه و باغ و پارک می‌خرند.

سیم: موقوفه را به مدت سی و یا پنجاه و یا نود سال به شخصی اجاره می‌دهند به ثمن قلیلی که او را تدریجاً در تعمیرات موقوفه صرف نماید و به واسطه امتداد زمان و مرور ایام آن موقوف ملک طلق مستاجر می‌گردد.

چهارم: از شخصی وجه زیادی در پنهانی می‌گیرند و در صورت ظاهر موقوفه را به ثمن بخشی به او اجاره می‌دهند که مبادا ترقی اجارات را موقوف علیهم ملتفت بشوند و از ایشان مطالبه نمایند.

پنجم: به حیل شرعیه و به بهانه ملاحظه غبطه و یا به امور دیگر که شرعاً مجوز بیع موقوفات است او را می‌فروشند که تبدیل به احسن بنمایند و به اخس و ادون هم تبدیل نمی‌کنند و می‌گویند ثمن موقوفه را در نزد فلان تاجر امانت سپرده‌ایم که هر وقت ملک مرغوبی پیدا شد بخریم به همین نحو به دفع الوقت می‌گذرانند که مردم از صحبت او خاموش گردند و ایشان هم بدون زحمت بییل و کلنگ مالی را به چنگ آورده بی درنگ بخورند.



و شهودی دین به دنیا فروخته را مهیا کرده و ادعا می‌نمایند که این املاک مال پدران و یا برادران و یا مال یکی از اقاربمان بوده و شخص واقف بی دین و زوردار بوده است، از آنها غصب کرده است و ما الحال به عنوان مالکیت در این املاک متصرفیم. نه به عنوان تولیت. اوراق و شهود ما نیز حاضر و موجودند و چند تومانی به این و آن داده املاک موقوفه را مالکانه تصرف می‌کردند.

نهم: بعضی از موقوفات را که سلاطین ایران و یا این که رجال دولت و یا این که حکام و اعیان وقف نموده‌اند، او را به سلطان و یا به حکام وقت واگذار نموده‌اند و ایشان هم مباشرت او را به بعضی از بی‌انصاف‌ها واگذار می‌کنند که دخل او را گرفته در محل آن صرف نمایند و آن مباشرین یکباره آن املاک را مال خود فرض کرده، یک دینار در محل موقوفه صرف نمی‌کنند. به بهانه این که سلاطین و یا این که حکام رعیت را چاپیده‌اند، تماماً مال ملت است و وقف نمودن

ششم: بعضی از ایشان چنان که گمان می‌کنند که واقف مرد حاکمی و ظالمی و جابر جایری بوده و یا این که شخصی بوده عامی و جاهل مسائل شرعیه تجارت را درست نفهمیده و از حرام اجتناب نداشته، اموال او تماماً مظلوم و یا این که مجهول‌المالک و یا این که مخلوط به حرام است و شرعاً مالک نبوده‌اند تا این که وقف نمایند و از باب حکومت شرعیه در این اموال متصرفیم، ایرادی و بحثی هم بر ما به وجه من‌الوجه وارد نیست و بر فرض بطلان وقفیت از این که حکام شرع انور این گونه اموال را چه باید بکنند عمداً از آن خاموشند گویا با تمول زیاد استحقاق خود را از سادات و فقرا بیشتر احراز کرده‌اند و سکوت اختیار می‌نمایند.

هفتم: اگر موقوفه در جوار ملک آنها واقع شده باشد اقلانثلی از آن را به‌عنوانی که حدود ملک من تا اینجا بوده، تصرف می‌نمایند و در جزء ملک خود محسوب می‌دارند.

هشتم: بعضی از آنها اوراقی ساخته

ایشان فاسد و باطل است. ولی از این که اولاً: عمل مسلم را حمل بر صحت باید نمود عمداً غافلند. ثانیاً: مال ملت را در مصالح عمومی ملت باید صرف و خرج کرد.

دهم: اکثری، بلکه تمام موقوفات امروزه حاصل و عوایدش به جهت ترقی نمودن سعر غله و زیاد شدن مال الاجاره املاک مسقفه از محل خرجش که واقف معین کرده به مبلغ کثیری زیادتر است و این مبلغ را متولی بدون مسئولیت در کمال اطمینان و امنیت میل می نماید و از جمله اموال حلال خود می پندارد.

یازدهم: بعضی که خداوند را منظور دارند و از عقوبت روز پسین می ترسند، تمام محصولات موقوفه را، حتی حق التولیه خود را هم در محل موقوفه و در امور خیریه و بریه و در تعمیرات آن صرف می نمایند. اولاً: این گونه اشخاص بسیار عزیزالوجودند. ثانیاً: از محل کلام و از مورد ایراد خارجند.

پس در این صورت از جهت محافظت اصلی موقوفات و هم از

برای صیانت زواید حاصلات آن از مقدار مخارجات معینه او در هر بلدی از بلدان ایران شخص متدین بانصافی را ناظر در امور موقوفات آن بلد قرار بدهند و تمام موقوفات دولتی آن بلد را به موجب اوراق موقوفات در دفاتر و سجلات دولتی ثبت و قید نمایند و آن شخص ناظر به اجاره یکی از مجتهدین آنچه را واقفین وصیت کرده اند، عمل نمایند و زواید او را که محمل خرجی از برای آن ظاهرأ معین نشده، مقداری از آن وجه را در آن بلد صرف مدرسه رشیدی و مکتب صنایع بنماید که اولاد و ایتم آن بلد در آنها علم صنعت تعلیم بگیرند و بقیه آن وجه را به دارالخلافه تهران بفرستند که در بیت المال اوقاف ضبط نمایند و از آن پنجاه هزار نفر سرباز تحت السلاح تشکیل نمایند و آنها را به سرحدات مملکت تقسیم کنند {تا} در آنجاها مقیم و حافظ حدود باشند و به این ترتیبی که ذکر شد:

اولاً: به وصیت واقف عمل شده و موقوف علیه هم به حقوقشان رسیده اند.



مخصوصه از عموم رعیت برای مصارف نوعیه لازمه؛

۲. تحصیل قوه دفاعیه به تشکیل

عساکر معلمه و اعداد آلات و ادوات حربیه به حسب آنچه زمان اقتضا کند؛

۳. دفع شر اشرار داخله و امنیت طرق و شوارع از اقطاع الطریق و ...؛

۴. قطع مواد معاند است و دفع

خصومات واقعه مابین عموم رعیت که مدخل بزرگی است برای حکومت در

دوره استبداد و طریق تجارت عظیمی است برای عموم فراش‌ها و مخصوصا

آقای فراش باشی؛

۵. امور عامه و منافع کلیه نظیر

تربیت‌های علمیه و انتشار جراید سیاسیه و نشر کتب دینی و ... و نشر

اوقاف عامه و تجارت داخله و خارجه باید تحت تربیت و نظم درآید؛

۶. حفظ ثغور مملکت از تعدیات

اجانب و حملات آن؛

۷. حفظ رعایای مملکت که در

دول خارجه اقامت دارند با تنظیم وزارت خارجه، انجام خواهد شد که

تنها در قالب حکومت مشروطیت و نه

ثانیا: فضله موقوفات که پایمال

می‌شد، در امور خیریه و بریه و در مصالح عمومیه مسلمین صرف گردیده و به یک درجه هم حفظ بیضه اسلام به او گردیده است.

ثالثا: تصرف و مباشرت ناظرین هم در موقوفات به واسطه رخصت

و اجازه مجتهدین به موافق شرع انوار بوده، محذوری لازم نیامده است.

رابعا: به واسطه مشروطیت تولیت به عدالت کاشف بر طریقت متولی

است در موقوفات و در صورت ظهور خیانت و فقدان شرط، حاکم شرع انوار

او را عزل و دیگری را نصب نموده، جای اشکالی و محل ایرادی هم برای

کسی باقی نمانده است.»^{۱۴}

رساله دیگری که در آن به مبحث وقف اشاره شده رساله اللثالی المربوطه

فی وجوب المشروطه از شیخ محمد اسماعیل محلاتی غروی (۱۲۷۳-۱۳۵۵

ه.ق) است او در رساله خود معتقد است که رفع مفساد حکومت استبدادی

به تنظیم و تنسیق هفت مورد از قبیل:
۱. أخذ خراج و جلب اموال

استبدادی میسر است.

در اصل پنجم به وقف و نظارت بر موقوفات اشاره شده است که در ذیل به صورت کامل بیان شده:

«پنجم: امور عامه و منافع کلیه که در مملکت دایر است و موقع حاجت عموم خلق است که بایست در تحت میزان صحیح مخصوصی باشد که باعث هرج و مرج نگردد و شعب و شئون این امر متعدد و مختلف است و هر یک در تحت ریاست مخصوصی واقع است:

اول: ترتیب‌های علمیه و انتشار جراید ادبیه و سیاسیه و نشر کتب دینیه و غیر آن، از علومی که برای دین و دنیای خلق مفید باشد و از هیچ جهت مورت مضرتی نشود.

دوم: اوقاف عامه که به‌عناوین مختلفه در بلاد وقف شد که اگر در تحت نظارت امین مخصوصی باشد در چنگال گرگان آدم‌خوار نیفتد.

سوم: تجارات کلیه و اکتسابات عامه که می‌بایست هرکس هر جور مداخله نکنند که موجب فساد حال رعیت شود.

مثلا این که خارجه در آن دخیل شود به نحوی که تدریجا ثروت مملکت را براباید. چنانچه نتیجه امتیازاتی که به خارج داده شده و می‌شود همین است»^{۱۵}.

رساله رؤیای صادقه محمد حسن تاجر کاشانی در سال ۱۳۳۱ ه.ق نگاشته شده است. در این رساله نویسنده سعی کرده است که در قالب رؤیا و از زبان یکی از سردمداران مشروطیت از نظام مشروطه دفاع کند و اوضاع بد جامعه را نیز نقد می‌کند. او علمای مشروطه را به چهار دسته تقسیم می‌کند:

دسته اول که دارای کم‌ترین تعداد افراد آگاه به مضرات حاکمیت استبداد و ثمرات مشروطه هستند؛

گروه دوم شامل کسانی می‌شود که هدف پیوستن آنها به مشروطه برای دستیابی به جایگاه و مقام بودند؛

گروه سوم الواط و اشرار بودند که می‌خواستند از آب گل آلود ماهی بگیرند که موفق نیز شدند؛

دسته چهارم که بیشترین تعداد را به



ولایت‌ها به حاکمان و گسترش ظلم به مردم؛

۷. نقد امنیت، نظم؛

۸. نقد وضعیت بهداشت جامعه

مخصوصاً حمام‌های خزینه‌دار.

نویسنده در زمینه وقف و موقوفات

در مبحث نقد مخالفان مشروطیت که

در واقع علما ظاهرگرای بودند که به

اسم شرع در اموال دینی مانند خمس،

زکات و وقف تصرف می‌کردند سخن

می‌گوید و دلیل مخالفت آنان را با

مشروطه و حکومت قانونی در آن

می‌داند که دست آنان از این اموال

کوتاه می‌شود و موقوفات توسط

علمای متدین و دیندار اداره می‌شود

که در ذیل متن این بخش آمده است:

«بفرمایید بدانم ضرر مشروطیت

و قانون برای علمای سوچيست آیا

همین که دولت مشروطه شد دیگر

مردم خمس و زکات نمی‌دهند؟

عجب آدم ساده‌لوحی هستی. من

که علت عدم همراهی و مخالفت این

طایفه را به بیانات مختلف برای شما

گفتم. باز به بیانی دیگر عرض می‌کنم.

خود اختصاص داده بودند کسانی بودند

که فکر می‌کردند مشروطه و آزادی به

معنی خودسرانه حرکت کردن است.

محمد حسن کاشانی دلیل ناکامی

مشروطیت را در این می‌داند که رهبری

مشروطیت از گروه اول خارج شد و

به‌دست سایر گروه‌ها هدایت شده

است. او عامل نجات کشور را تشکیل

کابینه دولت از افراد وطن‌پرستان و

متفق‌القول می‌داند.

انتقادات کتاب به‌طور خلاصه در

ذیل آمده است:

۱. نقد علما ظاهرگرا و مخالفت این

علما با مدارس جدید؛

۲. نقد مخالفان مشروطیت و قانون

بودند؛

۳. نقد محاکم شرعیه که توسط علما

ظاهرگرا اداره می‌شود که به اسم شرع

حکم‌های متناقض می‌دهند؛

۴. نقد احزاب به دلیل این که به دنبال

منافع شخصی خود هستند؛

۵. نقد بی‌مسئولیتی، رشوه‌گیری و

منفعت‌پرستی کارمندان دولت؛

۶. رشوه‌دادن حاکمان ایالت‌ها و

نظر این طایفه تنها به یک خمس و زکات تنها نیست چندین راه مداخل دارند که تماما در دولت قانونی مسدود است.

اولا در صورتی که مردم به این اشخاص خمس و زکات بدهند مجبورند قدری از آن مال را به مردم داده بقیه را صرف معاش خود نمایند و از این گونه مداخل ها نمی توان پارک و درشکه و مستغلات و املاک تهیه نمود.

ثانیا چون در دولت قانونی حکایت از ترس و ملاحظه در کار نیست؛ می گردند تفحص می کنند خمس و زکات را به اشخاص مقدس واقعا متدین می دهند. قهرا دست این گونه اشخاص تهی می ماند. به علاوه عمده مداخل این طایفه تصرف در املاک موقوفه و محاکمات شرعی و اخذ رشوه و صدور احکام غیرحقه است. مسلم است در دولت مشروطه و قانونی املاک موقوفه به نظارت وزیر اوقاف و محاکمات شرعیه تحت نظر وزیر عدلیه می باشد. آنجا یک نکته بسیار مهم

باریکی است که اجبارا برای شما شرح می دهم تا به تمام رفقای خود بگویید و به خوبی از ماهیت مطالب آگاه شوید این که در تمام مذاهب علمای سو آن مذهب با عالم قانون و مشروطیت دشمن هستند، برای این است که در دولت مستبده چون قانون مدنی در کار نیست، علمای سو به هرطریقی که اراده و میل آنها تعلق گرفت حکم و حرکت می نمایند و اسم اعمال خود را شرعی و حکم الهی می گذارند. احدی قدرت تکلم ندارد چنانچه لابد مکرر شنیده می شود که جاهل را بر عالم بحثی نیست و اگر کسی فرضا مخالفت کند فوراً او را تکفیر نموده، حکم به اعدام او می دهند. این است که کم کم فعال ما یشاء و حاکم ما یرید می شوند. ولی در دولت قانونی مثلا فلان عالم وقتی می تواند در میان مردم ترافع و محاکمه نماید که به موجب قانون تشکیلات عدلیه از طرف هیأت علما برای قضاوت انتخاب شده از جانب دولت با مواجب صحیحه داخل در این امر شود و در محاکمه حکایت دوسیه



می‌داند و معتقد است خداوند تمام اصول زندگی بهتر را دین‌ها نهاده است و میکروب‌هایی چون اختلافات طبقاتی، فقر، جنگ، نزاع‌های مذهبی و ... هم زاییده این است که ما به دین عمل نمی‌کنیم. نویسنده راه درمان را بخشش و احسان، عدم نزاع مذهبی، صدقه، قناعت و ... می‌داند. در قسمتی‌هایی که برای برطرف شدن اختلاف طبقاتی و فقر نوشته، راه درمان را احسان، بخشش و وقف می‌داند که هم برای فقرا و هم برای ثروتمندان مایه خیر و برکت است و باعث رشد و تعالی تمدن‌ها می‌شود و تأکید دارد که عمل وقف در تمامی ادیان تأکید شده است که در ذیل قسمتی‌هایی از این رساله آمده است:

«میکروب دیگر جدال بینوایان با توانگران است که به بهانه مساوات این دو طبقه ترورهای مسالک و ممالک به پیشرفت اغراض خود آنچه می‌کنند از حد گفتن و نوشتن بیرون شده، حال بینیم اطبای روحانی در گذشته این مرض را به نظر دقت نگریسته و

و نوشتن اقوال مدعی و مدعی‌الیه در کار است و حکم شرع باید از روی دوسیه با مدرک صحیح صادر شود به این ترتیبات خیلی مشکل است به میل شخصی و هوای نفس حرکت نمودن. به علاوه اگر کسی از حاکم شرع شکایت نماید به موجب قانون باید به مجلس عالی که از هیأت علما تشکیل می‌شود رجوع شود تا در کمال دقت استدراک نموده و حق را از باطل تمیز دهند. هر گاه حاکم شرع مزبور در صدور حکم غرض به خرج داده خلاف حکم خدا حکمی کرده باشد مورد مجازات و دیگر به این سمت شناخته نشود»^{۱۶}.

در رساله تدین و تمدن اثر حسن جابری نیز به وقف و مزایای وقف پرداخته شده است. در این رساله، نویسنده اعتقاد دارد که کره زمین مانند انسان دچار بیماری شده و به بررسی میکروب‌هایی که باعث جنگ، نزاع و ترویج بدی در کره زمین می‌شود می‌پردازند. جابری مهم‌ترین دوا برای برقراری نظم در کره زمین را دینداری

چه نیکو علاج واقعه را قبل از وقوع فرموده، مثلاً درآمد سالیانه مردم را به ده بهره فرض نمایید؛ دین فرموده یک عشرش را قبل از تصرف به نام زکات به فقرا دهند.

دو عشرش را به مستحقین از سادات و سهم امام که آن هم در زمان امام به مصالح امام صرف می شود و در غیبت بهره ضعف است. هر متدینی بمیرد ثلث مالیه اش را به رد مظالم و احسان به فقرا وصیت می نماید. از این رهگذرها فرض و مندوب دو ثلث هستی اغنیا نصیب فقرا شده. چه مردم نیک نهادی که تمام دارایی خود یا قسمت عمده اش را وقف و حبس نموده و درآمدش همه صرف بینویان گشته...»^{۱۷}

«نیکو تأمل شود معاش عمومی از راه دین است. چه نصف مردم به وسایل و طرق دین روزی می خورند و نصف دیگر که بدین بازی زندگانی می نمایند همان بی دینی را به بهانه دین و دزدی در لباس شحنگی جلوه داده و روزی خواران قوانین هم سلب نعمت شان نمی شود چه قوانین دولت

را از راه ادیان آسان می توان بیرون آورد. باری متفرعات این اصول و منافع دین برای فقرا از حد سخن بیرون است و منحصر به اسلام نیست بلکه موقوفات و خیرات در آیین ترسا و یهود و گبر و هنود حتی در بودستان چین و ژاپن هم بی اندازه جاری است. دین برای توانگران هم نفعی بی کران دارد که به اثر دستگیری فقرا خداوند برکت و نمایی به اموال شان می دهد تا بذرش را اضعاف مضاعف دیگران برمی دارند و نتایج احشام و اغنام شان را سالی دو مرتبه می برند. گواه سخن خاندان های کهن را ببین چون حقوق شرعیه را داده اند تا پشت نژاد اولادشان امروزه باز در نعمتند ولی ستمگران به فقرا بیشتر هنگام مردن کفنی معین نداشته اند»^{۱۸}.

نتیجه گیری

۱. انقلاب مشروطه یکی از رخداد‌های مهم تاریخ ایران به‌شمار می‌آید که ثمرات زیادی داشته است. یکی از مسائل که مشروطه‌خواهان به آن توجه داشتند بهبود اقتصادی کشور بود که به دلایل گوناگون از جمله ورود کالاهای بی‌رویه خارجی، امتیازات مختلف به بیگانگان و ... دچار رکود شده بود و کارگران ایرانی اغلب به دلیل بسته شدن شرکت‌های تولیدی بیکار و فقیر شده بودند. مشروطه‌خواهان در کنار راهکارهای دیگر بهبود اقتصادی، نظرات بر موقوفات و سامان دادن به موقوفات را نیز از مهم‌ترین اصول اقتصادی می‌دانستند که اگر درست مدیریت شوند، می‌توانند به‌عنوان یک اهرم اقتصادی پشوانه مهم برای اقتصاد ملی باشد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه بیرجند.
۲. مجله وقف میراث جاویدان، ش ۳۰، ص ۱۷۵.
۳. مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۲۵، ص ۱۷.
۴. مجله گنجینه اسناد، شماره ۵۳، ص ۴۰.
۵. مجله سخن تاریخ، ش ۱۱، صص ۱۷۲-۱۷۳.
۶. مجله گنجینه اسناد، شماره ۵۳، ص ۴۰.
۷. مجله سخن تاریخ، ش ۱۱، ص ۱۷۷؛ مجله گنجینه اسناد، شماره ۵۳، ص ۴۰.
۸. همان، ص ۱۸۲.
۹. آخوند خراسانی، شیخ عبدالله مازندرانی و حاج میرزا حسین تهرانی.
۱۰. اندیشه تجدد و ترقی عصر بحران، ص ۳۹.
۱۱. مجله ادیان، مذاهب و عرفان، ص ۹۱.
۱۲. بنیاد فلسفه سیاسی در ایران(عصر مشروطیت)، صص ۳۰۱-۳۰۲.
۱۳. مجله آینه پژوهش، ش ۵، ص ۳۷.
۱۴. رسایل مشروطیت، ج ۲، صص ۵۳-۵۷.
۱۵. همان، ج ۲، ص ۲۲۴.
۱۶. روای صادق، ص ۱۰۳ و ۱۰۴.
۱۷. بنیاد فلسفه سیاسی در ایران(عصر مشروطیت)، صص ۳۰۷-۳۰۸.
۱۸. همان، ص ۳۰۹.



منابع:

کتاب

۱. رسایل مشروطیت (مشروطه به روایت موافقان و مخالفان)، غلامحسین زرگری نژاد، ج ۲، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۷.
 ۲. اندیشه تجدد و ترقی عصر بحران، نصرالله صالحی، تهران: طهوری، ۱۳۸۷.
 ۳. رؤیای صادقه، محمد حسن تاجر کاشانی، به کوشش: جمشید صداقت نژاد. تهران: نشر بهاره، ۱۳۶۳.
 ۴. بنیاد فلسفه سیاسی در ایران (عصر مشروطیت): تلاقی اندیشه سیاسی اسلام و ایران با غرب، به انضمام دوازده رساله مهم سیاسی از آن عصر، موسی نجفی، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
۱. و ۲، بهار و تابستان ۱۳۷۵.
 ۴. وضعیت اوقاف در دوره قاجار با تکیه بر قوانین مجلس و شکایات واقفان اصفهانی، عطیه طباطباییان، مجله سخن تاریخ، ش ۱۱، دی ۱۳۸۹.
 ۵. نگاهی به وضعیت امور خیریه رشت در دوران قاجاریه، الهام ملک زاده، مجله گنجینه اسناد، شماره ۵۳، بهار ۱۳۸۳.
 ۶. سنجش تطبیقی وقف طی دوره‌های قاجاریه و پهلوی، پروانه شاه حسینی، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۹۰.

مقاله

۱. رساله‌ای درباره سلطنت مشروطه و فوائد آن، رسول جعفریان، مجله آینه پژوهش، شماره ۵، بهار ۱۳۷۰.
۲. وقف، شالوده توسعه اقتصادی و اجتماعی، محمد حبیبی، مجله وقف میراث جاویدان، ش ۳۰، تابستان ۱۳۷۹.
۳. جنبش امتعه خارجی در تاریخ معاصر، منیژه ربیعی رودسری، مجله ادیان، مذاهب و عرفان، سال یازدهم، ش